

جهنمی از نفوذ و سلطه (مصادق‌ها و ابزارهای سلطه‌گری صهیونیستی)

مرتضی شیرودی^۱

چکیده

صهیونیسم نام خویش را از کوه صهیون در بیت المقدس گرفته است. صهیون به معنای مکانی است که آفتاب بسیاری بر آن می‌تابد، به علاوه، این کوه، مرکز فرمانروایی سلیمان نبی و داود پیامبر بود. به این طریق، صهیونیست‌ها در پی مذهبی جلوه دادن خویش‌اند، اما صهیونیسم، جنبش واپس‌گرایانه و قدرت‌طلبانه‌ای است که در تلاش است با درهم‌آمیختن آموزه‌های توراتی و انگیزه‌های سیاسی، بر منطقه خاورمیانه، جهان اسلام و سپس، بر جهان، سلطه یابد. میل به سلطه بر جهان، بیش از آن که نشأت گرفته از تعالیم دین یهود باشد، در انگیزه‌های قدرت‌طلبی صهیونیست‌ها نهفته است، گرچه، در راه دست‌یابی بر حاکمیت دنیا، از آموزه‌های دین یهود هم سود جسته‌اند. سلطه بر جهان، از آن رو، برای آنان از اهمیت استراتژیک برخوردار است که بود و نبود خود را در گرو آن می‌بینند، بنابراین، در این جهت، خود را به هیچ قاعده بین‌المللی و با دین یهودی پای‌بند نمی‌بینند و از انجام هیچ جنایتی خودداری نمی‌ورزند. ولی در این راه، از چه ابزارهای سلطه‌گرایانه و جنایت‌کارانه‌ای بهره می‌گیرند؟ این سؤالی است که مقاله حاضر در پی پاسخ گفتن به آن است:

کلید واژه‌ها: یهود، صهیون، صهیونیسم، اسرائیل، آمریکا، نفوذ و سلطه.

مقدمه

نزدیک به یک قرن است که دنیا با پدیده شومی به نام صهیونیسم آشنا است. این پدیده نامبارک، از زمان تأسیس در سال ۱۸۹۸ و به ویژه از زمانی که بر فلسطین سلطه یافت، می‌کوشد با کنترل برخی از منابع مالی و تجاری جهان و با در اختیار گرفتن تعدادی از رسانه‌های خبری و تبلیغی جهانی، به اهداف خود که تسلط مادی و معنوی بر ملت فلسطین، مردم منطقه خاورمیانه و حتی جهان است، دست یابد، از این رو امروز شاهد واقعیت تلخ سلطه رو به رشد صهیونیسم بر جهان هستیم. از نمونه‌های بارز نفوذ

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

صهیونیسم باید از رخنه در دستگاه هیئت حاکمه آمریکا و نیز چنگ اندازی بر مراکز عمده و مهم تولید سلاح و همچنین تلاش برای تسلط بر مراکز اقتصادی و خبری جهان، نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و چهار خبرگزاری مهم جهانی نام برد.

تلاش برای سلطه بر جهان از اندیشه برگزیدگی یهود و صهیونیسم ناشی می‌شود. در بند ۸ پروتکل‌ها آمده است: «ما صهیونیست‌ها برگزیده خداوند هستیم و پراکندگی مان در سراسر جهان از عنایات اوست. پراکندگی ما در چشم همگان نوعی ضعف به شمار می‌آید، در حالی که این خود برای ما نوعی قدرت است، زیرا ما اکنون در آستانه فرمانروایی بر سراسر جهان قرار گرفته ایم.» (صفحات، ۱۳۸۴، ص ۲۹). تفکر برتر بودن صهیونیسم و تسلط بر جهان، آن چنان آنها را دچار توهم نموده که برای هیچ قومی حق حاکمیت نمی‌شناسند مگر این که تحت سلطه آنها قرار بگیرند و اگر غیر از این باشد محکوم به فنا و نابودی خواهند بود. در همین باره در پروتکل شماره ۱۵ آمده است: «برای رسیدن به هدف‌های مهم باید از هر وسیله‌ای استفاده کرد و قربانیان فراوانی را برای رسیدن به هدف‌ها فدا کرد.» هم چنین، در قسمتی از پروتکل شماره ۱۴ آمده است: «هنگامی که حکومت شاهنشاهی ما آغاز شود، همه ادیان باید از بین بروند به جز دین ما که همانا اعتقاد به خدای یگانه است. بی‌شک سرنوشت قوم ما به عنوان قومی برگزیده، با وجود خدا گره خورده است و هم اوست که تقدیر کار جهانیان را با سرنوشت ما پیوند داده است، لذا ریشه هر گونه عقیده‌ای باید از بیخ و بن کنده شود حتی اگر این کار به انکار وجود خدا که ما امروز شاهد آنیم، بینجامد.» اکنون باید دید که آنها برای سلطه بر جهان از چه ابزارها و روش‌هایی استفاده می‌کنند:

مصادیق سلطه‌گری صهیونیستی

سلطه پنهان صهیونیسم به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد، از جمله:

۱- نفوذ در سینما و تلویزیون

در فتنه اخیر پیدایش صهیونیسم و تشکیل دولت غاصب و نامشروع اسرائیل، یهودیان به همان راه‌ها و شیوه‌های شیطانی خویش روی آورده‌اند که خلاصه این افکار شیطانی در کتاب «پروتکل‌های حکمای یهود» نشان داده شده است. در این کتاب آمده است که برای تشکیل یک حکومت و دولت جهانی یهودی باید بر وسائل ارتباط جمعی و وسائل اعلام جهانی از قبیل سینما، تلویزیون، مطبوعات و کتاب‌ها و همه وسایلی که به نحوی با گوش و چشم و ذهن جوامع ارتباط دارد، تسلط پیدا کرد. اگر قرار باشد یهودی بدنام، آواره، ترسو، بدسابقه، بزهارک و شریک خون عیسی صلی الله علیه و آله و قاتل پیامبران، خودش را به عنوان یک قوم و نژاد برتر معرفی کند لازم است قبل از هر چیز قیافه زشت و پلید خود را آرایش کند و سابقه زشت خود را پاک کند که صهیونیست‌ها با تشکیل یک دولت یهودی در صدد یافتن راه‌حلی برای این مشکل برآمدند، چنان که در سال ۱۳۴۸ ش. / ۱۸۶۹ م. در کنفرانسی که در شهر پراگ برگزار شد خاخام

یهودی «راشورن» گفت: «در حالی که تسلط بر طلا قدرت اول ما از طریق سلطه بر جهان باشد، دومین وسیله ما باید تسلط بر مطبوعات جهانی باشد.» (دعوتی، ۱۳۷۶، ص ۲۸). در اولین کنگره صهیونیسم که به ریاست تئودور هرتزل تشکیل شد وی درباره اهمیت تبلیغ و نقش آن در تبادل اندیشه ارتباط یهودیان پراکنده در نقاط مختلف جهان گفت: «ما هنگامی موفق به تشکیل دولت اسرائیل خواهیم شد که به وسائل اعلام جهانی و مطبوعات عالم تسلط داشته باشیم.»

بنابراین، هدف مشخص است؛ آنان قصد دارند با از میان بردن آداب و ارزش‌های اسلام، مسلمانان را بار دیگر به سمت کفر و شرک بکشانند و با استفاده از این تهاجم تبلیغاتی چهره زشت و ماهیت پلید اشغال‌گران را در نزد افکار عمومی جهان زیبا جلوه دهند و برعکس، برای نازیبا جلوه دادن اعراب و مسلمانان تلاش می‌کنند. آنها در تهاجم تبلیغاتی خود قصد دارند تاریخ اسلام را مسخ و خطر دین اسلام را به مسیحیان اروپا و آمریکا گوشزد کنند. صهیونیست‌ها سعی می‌کنند اعراب را به عنوان مردمی عقب‌افتاده، شهوت‌طلب، زناکار، می‌گسار، قمارباز، جاهل و خالی از عواطف انسانی معرفی کنند. به همین دلیل برخی‌ها در آمریکا و اروپا با عینکی که تبلیغات صهیونیستی برای آنها تهیه کرده، بدبینانه به مسلمانان نگاه می‌کنند.

صهیونیسم بر شبکه‌های تلویزیونی آمریکا، سیطره نسبی پیدا کرده است. در آمریکا بین ۷۰۰ تا ۱۱۰۰ شبکه پخش امواج تلویزیونی وجود دارد که سه شبکه مهم B.C و C.B.S، A.B.C از مشهورترین آنها محسوب می‌شود و این شبکه‌ها هر سه، تحت نفوذ صهیونیسم هستند. برای درک میزان خطر سلطه صهیونیسم بر این شبکه‌های سه‌گانه، کافی است اشاره شود که آنها توجیه سیاسی افکار و دیدگاه‌های مردم آمریکا، به علاوه میلیون‌ها نفر دیگر در اروپا، کانادا و . . . را به عهده داشته و به آنها جهت می‌دهند. «آدریان ارکاند» از متفکران مسیحی غرب در یکی از جشن‌های عمومی نیویورک در سال ۱۹۳۷ چنین گفت: «یهود به وسیله خبرگزاری‌های جهانی، شما را شست‌وشوی مغزی داده و وادار می‌کند که جهان و واقعیات آن را آن‌گونه که آنان می‌خواهند، ببینید نه آن‌چه در حقیقت وجود دارد. یهود به وسیله فیلم‌های سینمایی افکار جوانان و فرزندان ما را تغذیه می‌کند و آنها را از آنچه خود می‌خواهد، سرشار می‌سازد و جوانان را به گونه‌ای تباه و فاسد می‌سازد که همواره برده و بنده آنان باشند. صهیونیسم در خلال تنها دو ساعت که مدت نمایش یک فیلم سینمایی است آداب و فرهنگی را که معلم و مدرسه و خانواده و مربی طی ماه‌ها تعلیم و تربیت در اذهان جوانان ما و نسل برومند ما ایجاد کرده‌اند، می‌زداید.» (رفاعی، ۱۳۸۱، ص ۵۰). در انگلستان نیز که پایتخت فیلم و سینما به حساب می‌آید «لرد آلفونت» یهودی به تنهایی صاحب ۲۸۰ سالن سینما می‌باشد و خودش به طور شخصی به نمایش فیلم‌ها می‌پردازد و از میان فیلم‌ها، همواره زشت‌ترین و خشن‌ترین و مؤثرترین آنها را انتخاب می‌کند، مثل فیلم: زنی به نام گلد.

فیلم تلویزیونی «زنی به نام گلدا»، زندگی گلدا سایر^۱ را به صحنه تلویزیون می‌آورد. این فیلم، از خطرناک‌ترین فیلم‌های تبلیغاتی صهیونیسم می‌باشد که فرهنگ جهان عرب را مورد هجوم قرار داده و زن یهودی را به عنوان زن نمونه معرفی می‌کند. این فیلم بالغ بر چهار میلیون دلار هزینه در بر داشته و ساخت شرکت پارامونت است که یهودی میلیونر «هود کنسون» مالک آن می‌باشد. این فیلم انسان یهودی را به عنوان انسانی قهرمان، متواضع، کاردان، دارای حکمت و در عین حال دارای قدرت معرفی می‌کند. در این فیلم یکی از نمایندگان کنگره آمریکا که از مخالفین گلدامایر بوده است برای ملاقات و گفت‌وگو به منزل وی می‌رود. گلدامایر از او می‌خواهد چند دقیقه منتظر بماند تا کارهای منزلش تمام شود. او خودش قهوه درست می‌کند و برای میهمان می‌آورد. نماینده کنگره تعجب می‌کند از این که شخصی مانند گلدامایر خودش در منزل کار می‌کند و از این رو او تغییر عقیده می‌دهد و از مایر معذرت‌خواهی می‌کند و به این طریق، محبت قوم یهود در اعماق وجود او جای می‌گیرد.

در صحنه‌ای دیگر، گروهی از کودکان آمریکایی به نزد گلدامایر می‌روند و او به آنها هدایایی تقدیم می‌کند، آن‌گاه کودکان سؤال می‌کنند که چه وقتی صلح برقرار می‌شود؛ مایر جواب می‌دهد: هرگاه اعراب به جای کینه‌ورزی، محبت را در دل‌های خود جای دهند، و به این صورت، اعراب را مسئول جنگ می‌شمارد. (دعوتی، پیشین، ص ۱۶۳).

سیطره یهود بر شرکت‌هایی که فیلم‌های سینمایی را تهیه می‌کنند یک سیطره و تسلط تقریباً همه جانبه و گسترده می‌باشد. برخی از آمارهای تأییدشده نشان می‌دهد که اغلب افرادی که در صنعت فیلم‌سازی آمریکا، در تهیه، توزیع، تحریر، تصویر و صدابرداری و مونتاژ کار می‌کنند، یهودی می‌باشند و حتی، بزرگ‌ترین شرکت‌های اصلی فیلم‌سازی در تملک یهودیان و صهیونیسم می‌باشد. فیلم‌های منتشر شده توسط این شرکت‌ها، فساد اخلاق و تباهی فرهنگ را به کشورهای مصرف‌کننده صادر می‌کند. متأسفانه کشورهای عربی یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان فیلم‌های این شرکت‌ها می‌باشند، و مطالب تهیه شده در این فیلم‌ها با کمترین محدودیت و ممنوعیتی در سالن‌های سینمایی مصر، اردن، سوریه و دیگر کشورهای عربی اسلامی به نمایش در می‌آید. (رقاعی، پیشین). وقتی یهودیان در کشورهای نظیر

۱ - گلدا مایر (۱۹۷۸-۱۸۹۸) نخست وزیر اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ بود و یکی از پایه‌گذاران دولت اسرائیل است. وی متولد روسیه و فارغ التحصیل دانشگاه تربیت معلم شهر «میل واکس» است و در سال ۱۹۲۱ همراه با همسرش به فلسطین مهاجرت کرد. او در امور صهیونیسم و نهضت کارگری فعال بود. در دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ در سازمان‌های مختلف صهیونیستی در فلسطین، اروپا و ایالات متحده خدمت کرد. او یکی از امضا کنندگان بیانیه استقلال دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ بود و به عنوان اولین کاردار کشورش در اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ خدمت کرد. در سال ۱۹۴۹ برای اولین دوره مجلس اسرائیل انتخاب گردید و نامزد وزارت کار و تامین اجتماعی شد. وی مدتی وزیر امور خارجه شد و سپس در سال ۱۹۶۹ به نخست وزیری رسید.

آمریکا و انگلستان که از مراکز مهم خبری عالم به حساب می‌آیند، نفوذ دارند، بدیهی است که در سرزمین‌های دیگر نیز این نفوذ وجود خواهد داشت؛ چنان که آثار این نفوذ جهانی در اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، اتریکان، سوئد، نروژ، هلند و کشورهای اروپایی دیگر مشاهده می‌شود.

۲- سلطه بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها

یهودیان در گذشته همواره مورد تحقیر و نفرت مردم قرار داشتند، حتی در اروپا؛ به بیان دیگر، آنها در نزد اروپائیان، چهره زشت و پلیدی از خود به جای گذاشتند، اما چگونه یهود توانست مردم جهان به ویژه اروپائیان و آمریکائیان را شست‌وشوی مغزی دهد و یهودی‌ای را که در نظر آنان، انسانی بخیل، خبیث، نیرنگ‌باز، حيله‌گر، خودبین و ترسو بود به عنوان انسانی زیرک، شجاع، نابغه، خوددار، مخترع، دانشمند و بلنداندیش معرفی نماید؟ در جواب باید گفت: پیروزی یهودیان، تصادفی نیست بلکه آنها در طی سال‌ها، نقشه‌ها کشیدند تا به این نتیجه رسیدند که تنها راهی که می‌توانند به وسیله آن، ذهن مردم جهان را نسبت به خود تغییر دهند، سیطره و نفوذ بر رسانه‌های خبری جهان است؛ از این رو اولین کنگره صهیونیسم که به ریاست تئودور هرتزل در سال ۱۲۷۶ ش. م. ۱۸۹۷ م. در شهر بال سوئیس تشکیل شد، بر این نظریه استوار شد که نقشه برپایی دولت اسرائیل جز با تسلط بر سازمان‌های خبری جهان به ویژه مطبوعات و روزنامه‌نگاری میسر نیست؛ به همین جهت، در پروتکل شماره ۱۲ آمده است:

«ما جریان مطبوعات و روزنامه‌نگاری را به این صورت در خدمت خویش در می‌آوریم: آرام آرام به سمت صهیونی کردن مطبوعات حرکت می‌کنیم و افسار و عنان آن را به دست گرفته و به سمت خود منعطف می‌سازیم. ما نباید بگذاریم که دشمنانمان به روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری که بیان‌گر آرا و نظرات آنان باشد، دست یابند. هیچ خبری نباید بدون کنترل و نظارت ما برای مردم بیان شود. باید روزنامه‌های مختلفی داشته باشیم و به وسیله آنها دموکراسی و جمهوری خواهی و انقلابی‌گری و بالاتر از همه، لابی‌گری را ترویج کنیم. ما باید بتوانیم هرگاه که خواستیم شور و هیجان ملتی را برانگیزیم و هرگاه خواستیم، آنان را آرام نماییم. هم‌چنین لازم است که ما افرادی را که دارای سوابق اخلاقی نادرستی در جامعه هستند، به سرپرستی روزنامه‌های مهم بگماریم، به ویژه روزنامه‌هایی که بر ضد ما، مطالبی می‌نویسند، و آن‌گاه که دریافتیم این‌ها در برابر ما خضوع نمی‌کنند و بر خلاف ما، موضع می‌گیرند، مسائل سوء اخلاقی‌شان را فاش می‌سازیم و کارشان را یکسره می‌کنیم و به دیگران نیز می‌فهمانیم که در صورت مخالفت با ما، به چنین وضع اسف‌باری دچار خواهند شد.»

با کمی دقت، مشخص می‌شود که این امر تا حدودی اتفاق افتاده و آنان توانسته‌اند بر بیشتر رسانه‌های خبری آمریکا و اروپا و بیشتر کشورهای جهان، تسلط پیدا کنند. آنان توانسته‌اند در خبرگزاری‌های جهان نفوذ نمایند، و از این طریق، خبرها را به دست آورند و آن را به‌روراندند و به آن، جهت دهند و سپس آن را تحویل مطبوعات و رسانه‌های گروهی رادیو و تلویزیون دهند. زمانی که این اخبار وارد افکار مردم

می‌شود، به صورت آرا و اندیشه و نظریه آنان تجلی می‌کند؛ به عبارت دیگر، خبر اسلحه‌ای است تبلیغاتی که خبرگزاری‌ها آن را ذخیره می‌کنند و مطبوعات، سربازانی هستند که این سلاح‌ها را به سوی خوانندگان خود شلیک می‌کنند. (پیشین، ص ۱۷).

شهید مطهری در این مورد گفته است:

«اینها (یهودی‌ها) ضمن این که نژاد باهوش و متقلب دنیا هستند همیشه دستشان روی شاه‌رگ‌های اقتصادی و شاه‌رگ‌های فرهنگی جامعه بشریت است. الان خبرگزاری‌های دنیا به دست یهودی می‌چرخد، زیرا خبرگزاری‌ها، یکی از شاه‌رگ‌های بسیار حساس است، برای این که قضایا را تا حدی که برایشان ممکن است و به آن نحو که دلخواه خودشان هست به دنیا تبلیغ کنند و برسانند. اصولاً در هر مملکتی اگر اینها بتوانند، شاه‌رگ‌ها را اشغال می‌کنند و مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی را می‌گیرند و در مراکز راه پیدا می‌کنند که فکرها را به واسطه آنها می‌توان تغییر داد و یا شاه‌رگ‌های اقتصادی دنیا را می‌گیرند و اینها کارهایی است که یهود از قدیم الایام داشته و در عصر حاضر هم دارد.» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵ و ۱۵۶).

چاپ‌خانه‌های آمریکا روزانه ۱۷۵۹ روزنامه منتشر می‌کنند که ۶۱ میلیون آمریکایی را مخاطب خود قرار داده است. علاوه بر این، تعداد ۶۶۸ نشریه هفتگی نیز بر این رقم افزوده می‌شود. بر توزیع چنین رقم بالایی در مطبوعات حدود ۱۷۰۰ شرکت توزیع، اشراف و نظارت می‌کند که صهیونیسم بر بخش قابل توجهی از آنها (حدوداً نصف) سیطره دارد و بر نصف دیگر آن، تسلط کمتری دارد. صهیونیست‌ها حدوداً از سال ۱۲۷۵ ش. / ۱۸۹۶ م. توانسته‌اند بر روزنامه نیویورک تایمز که یکی از مشهورترین روزنامه‌های آمریکا است، سیطره پیدا کنند. هم‌چنین روزنامه واشنگتن‌پست نیز از جهت خضوع در برابر تسلط صهیونیسم، در مرتبه دوم قرار دارد.

روزنامه تایمز یکی دیگر از مشهورترین و پرتیراژترین روزنامه‌هاست که در انگلستان چاپ می‌شود، صهیونیست‌ها خرج زیادی کردند تا بر این روزنامه تسلط پیدا کنند. در زمانی که روزنامه تایمز دچار مشکل مالی شد، یک یهودی استرالیایی به نام «رابرت مردوخ» امتیاز آن را خریداری کرد و آن را به تملک خود درآورد. رابرت مردوخ روزنامه ساندی تایمز و سه مجله دیگر انگلیسی را نیز خریداری نمود. وی در استرالیا، کانادا و ایالات متحده آمریکا نیز روزنامه‌ها و مجلاتی را در اختیار دارد که با نشریات انگلستان همکاری دارند.

آمار مطبوعاتی سال ۱۳۶۰ ش. / ۱۹۸۱ م. نشان می‌دهد که پانزده جریده و مجله صهیونیستی انگلیسی دارای ۳۳ میلیون تیراژ است که حدود نیمی از مردم انگلستان را همه روزه تحت پوشش خبری قرار می‌دهد؛ یعنی برای هر دو نفر، یک روزنامه و یا یک نشریه صهیونیستی وجود دارد. (دعوتی، همان، ص ۱۴۲). نکته مهم این‌که در عین حال که در کشورهای آمریکایی و اروپایی آزادی مطبوعات حکم فرماست و هر کسی می‌تواند عقیده و نظر خود را منتشر کند، اما با این حال، کمتر مجله و نشریه‌ای

در اختیار مسلمانان است تا بتوانند مواضع خود را بازگو کنند و در حقیقت بر تمام رسانه‌ها سانسور شدیدی حاکم است و هر صدای مخالفی را خاموش می‌کنند.

در نهایت، صهیونیسم توانسته است سیطرهٔ خویش را بر مطبوعات جهان توسعه دهد و آنها را در راستای مصالح و اجرای مقاصد خویش جهت‌دهی کند و از آنها به عنوان وسیله‌ای برای تفرقه و اشاعهٔ فرهنگ برهنگی و فساد در عالم استفاده نماید. آنها توانسته‌اند از انتشار بیشتر اخباری که به اسلام مربوط می‌شود جلوگیری کنند، ولی برعکس، اگر یک یهودی در معرض بازداشت قرار بگیرد و یا یک هنرپیشه‌ای بی‌شرم یهودی در حال پیوستن به یهودی‌ها، برای انتشار اخبار آن، لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند، اما اگر هر روز هزاران مسلمان نابود شوند، کمتر این روزنامه‌ها لب به سخن می‌کشیند، که روشن‌ترین نمونه برای اثبات این ادعا جنایاتی است که در مورد مسلمانان فلسطین به صورت شبانه‌روزی صورت می‌گیرد و ما در مطبوعات بین‌المللی از آنها جز نجوایی مبهم و اخباری مجمل نمی‌شنویم.

۳- تاثیر بر چاپ نشریات و کتاب‌ها

یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف صهیونیست‌ها، حاکمیت و تسلط بر اندیشهٔ ملت‌های مختلف است. آنان توانستند خود را به بزرگ‌ترین شبکه‌های چاپ و نشر کتاب در جهان نزدیک نموده و در آن نفوذ پیدا کنند. صهیونیست‌ها در ایالات متحدهٔ آمریکا بر بخش قابل توجهی از شبکه‌های چاپ و نشر تسلط دارند. میزان تسلط آنها بر مراکز انتشاراتی فرانسه نیز زیاد است.

فعالیت‌های تبلیغاتی - ادبی صهیونیسم اگر چه پیوسته بر مبنای جمل حوادث و اختراع قصص و افسانه‌های ساختگی و تحریف تاریخ بود، اما هیچ‌گاه این داستان‌سرایی‌ها تعطیل نشد و حتی پس از اولین کنگره صهیونیست‌ها تا تشکیل رژیم غاصب اسرائیل نیز ادامه داشت و از آن زمان تاکنون نیز به طور مداوم از آن حربه استفاده کرده‌اند. این شیوه نه فقط در اروپا بلکه در دیگر نقاط مختلف دنیا و از جمله روسیه هم به همان شکل اجرا شده و گسترش افکار صهیونیستی در میان یهودیان روسیه را باید تا حدودی مدیون چند تن از نویسندگان و داستان‌سرایان روسی دانست که در این زمینه مطالبی را نوشته‌اند. تفاوت ادبیات صهیونیستی در گذشته و زمان حال، در این است که در گذشته به طور مداوم شیپور «آوازی، بی‌خانمانی و نداشتن سرزمین» را می‌دیدند اما ادبیات صهیونیستی در دوران جدید نه فقط بر مبنای گذشته توجه و تأکید می‌کند بلکه رویای دیرینهٔ صهیونیستی «نیل تا فرات» و اشغال سرزمین‌های اسلامی دیگر را بدان افزوده است. برای نمونه می‌توان به نوشته‌های رمان‌نویس معروف صهیونیسم «ساموئل یوسف اگون» اشاره کرد؛ این نویسندهٔ صهیونیست، قهرمان خود را در رمان تاهیل‌ها به پوشش سیاسی و مذهبی ملبس می‌کند و از قول او می‌نویسد: «من دعا می‌کنم که خداوند روزی را برساند که مرزهای اورشلیم گسترش یابد تا جایی که به دمشق برسد و از هر طرف به همین ترتیب...». اکنون در همهٔ آثار صهیونیستی خود «رسالت گسترش سرزمین» را تکرار می‌کند و این را زیر پوشش دین یهود قرار

می‌دهد. ساموئل یوسف اگنون، پس از نوشتن این قبیله‌رمان‌ها مورد تشویق هیئت داوری نوبل قرار گرفت و در سال ۱۳۴۵ ش. / ۱۹۶۶ م. جایزه ادبی نوبل به او اعطا شد. (احمدی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶).

آنها فقط به نوشتن رمان و داستان‌هایی از این قبیله اکتفا نکردند و برای این که به اهداف پلید و شوم خود دست پیدا کنند از طرق دیگر نیز وارد شدند. یکی از این موارد، نوشتن مقالات در مجلات توسط خود صهیونیست‌ها و یا با گرایش صهیونیستی بوده است که در اکثر آنها، علاوه بر این که از مواضع صهیونیستی سخن به میان آمده، سعی شده پیرامون اسلام و مسلمین ایجاد شبهه نموده و یا به مناسبت‌های مختلف حقوق زن در اسلام را مورد انتقاد قرار دهند و مسمومات صهیونیستی خود را در شکل مقالات گوناگون در جوامع مختلف انتشار دهند. برای مثال، مجله زن روز که در دوران قبل از انقلاب به چاپ می‌رسید فقط یک نمونه بسیار کوچک از کل برنامه‌ای بود که اینان خیال داشتند در ایران (مثل دیگر نقاط دنیا) پیاده کنند. این مجله چنان برنامه‌ریزی شده بود که باعث می‌شد مخاطبان این نشریه تمامی نیرو و توان خود را صرف عیاشی و شهوت رانی کنند و غیر از پست‌ترین غرایز حیوانی هیچ چیز دیگری را نپسندند. نتیجه آن می‌شد که دیگران راحت و آسوده و بی‌هیچ دغدغه و اضطرابی به غارت ملت ایران مشغول می‌شدند.

این توطئه بزرگ نه به ترویج فساد و فحشا محدود می‌شد و نه منحصر به ایران بود، بلکه در همه ابعاد و در بیشتر کشورهای جهان جریان داشت. آن چه که امروز در اروپا و آمریکا و تمامی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و صهیونیسم، در بعد فرهنگی و اجتماعی مشاهده می‌شود، شاهد گویایی از اهداف این دشمنان بشریت است که در پی انجام مقاصد خویش و به خواری و ذلت کشیدن ملت‌های جهان، وسائل ارتباط جمعی را آن گونه به خدمت گرفته و به کمک آخرین تکنیک‌های تبلیغاتی زهر تباهی و انحطاط را در اعماق جان بسیاری از آدمیان تزریق می‌کنند. آنان حتی کوشیده‌اند در دایره‌المعارف‌ها و مؤسسه‌های خاورشناسی نفوذ کنند و این نفوذ تا جایی پیش رفته است که امروزه به ندرت می‌توان دایره‌المعارفی را پیدا کرد که از آن بوی صهیونیسم به مشام نرسد. بنابراین جای تعجب نیست که بیشتر دایره‌المعارف‌های موجود با این که اطلاعات خود را در همه زمینه‌ها، به شیوه‌های علمی و موضوعی ارائه می‌نمایند، ولی متأسفانه درباره اسلام و مسلمانان به طور غیر مستند و تحریف شده سخن می‌گویند.

دکتر کامل العسلی در گفت‌وگو با نشریه «الدستور» چاپ اردن، تاریخ ۱۹۸۲/۵/۱۵ در این باره می‌گوید: «نگاهی شتابزده به دایره‌المعارف انگلیسی بریتانیکا، دایره‌المعارف آمریکایی مایر، دایره‌المعارف لاروس فرانسه و دایره‌المعارف آلمان، این واقعیت را آشکار می‌کند که چگونه این دایره‌المعارف‌ها، دیدگاه‌های صهیونیستی را اساس کار خود قرار داده و از آن دفاع می‌کنند. در تمام این دایره‌المعارف‌ها از سرزمین فلسطین به نام اسرائیل یاد و ادعا شده است که نه در تاریخ و نه در قوانین بین‌المللی هیچ‌گاه کشوری به نام فلسطین وجود نداشته است. در این دایره‌المعارف‌ها حکومت داوود و سلیمان آغاز تاریخ بیت‌المقدس قلمداد شده است. این در حالی است که قدس کنعانی، پیش از دوران داوود و سلیمان و حداقل ۲۰۰۰ سال

قبل، سابقه داشته است. فصل مربوط به قدس را در دایره‌المعارف اسلامی یک یهودی صهیونیست نوشته است. بریتانیکا که از معتبرترین و رایج‌ترین دایره‌المعارف‌های دنیا به شمار می‌آید، این گونه القا می‌کند که قرآن کریم کلام خداوند متعال نیست؛ یعنی همان حرف یهود منحرف را. (ابوغنیمه، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸). علاوه بر دایره‌المعارف‌ها، سازمان‌ها و مجامع تبلیغاتی دیگری نیز در اختیار صهیونیسم قرار دارد که یکی از آنها مؤسسه‌های خاورشناسی است که شرق را به عنوان مرکز اسلام مورد توجه و تفحص قرار می‌دهد و در کمتر پژوهش منتشر شده از سوی این مؤسسه‌ها است که به پیامبر ﷺ و قرآن کریم اهانت نشده باشد. در کتاب‌هایی که در این‌گونه مؤسسات به چاپ رسیده، دین اسلام تلفیقی از ادیان یهود و مسیح، به اضافه سنت‌های بت‌پرستی اعراب و نیز سرسخت‌ترین دشمن تمدن، حقیقت و آزادی قلمداد گردیده است.

متأسفانه باید این نکته را یادآور شد که برخی خاورشناسان از طریق شاگردان یا دوستان عرب خود، به ذهن نسل‌های مسلمان عرب راه یافته‌اند؛ برای مثال، اسرائیل ولفنسون خاورشناس یهودی کتابی با عنوان «یهود در جزیره‌العرب» تألیف کرده و در آن تأکید می‌کند که یهودیان ریشه‌ای تاریخی و سابقه‌ای فرهنگی در جزیره‌العرب دارند. او حتی ادعا می‌کند که یهودیان در ادبیات عرب صاحب فضل هستند. جای تعجب است که مرحوم طه حسین مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته و ادعای واهی نویسنده را تأیید نموده است. نورمن دانیل خاورشناس و نویسنده کتاب «اسلام و غرب» اعتراف می‌کند که بیشتر خاورشناسان با نوشته‌های خود قصد توهین به اسلام و مسلمین را دارند. (پیشین، ص ۱۵۳).

۴- نفوذ در مجامع علمی و فرهنگی جهان

یهودیان در نهان و آشکار و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در مؤسسات فرهنگی جهان نفوذ نموده و حضور فیزیکی و فرهنگی دارند به گونه‌ای که در بیشتر مؤسسات فرهنگی آثاری از حضور آنها مشاهده می‌شود.

هفت مؤسسه بزرگ جهانی که در ظاهر به نشر تعالیم مسیحیت اشتغال دارند ولی در واقع تحت نفوذ صهیونیست‌ها می‌باشند، داستان‌های مصور تورات و انجیل را برای کودکان به همه زبان‌های دنیا و از جمله زبان فارسی با بهترین کاغذها و هنرمندان‌ترین نقاشی‌ها چاپ و منتشر می‌کنند. در این جزوات، حکومت یهودیان، حکومت ایده‌آل برای همه اهل جهان و یهودیان، فرزندان خدا و قوم منتخب خداوند و منجی عالم بشریت معرفی و تعلیمات قرآنی به طور ضمنی مردود و خطرناک شمرده شده است. علاوه بر این، صهیونیست‌ها نسبت به تألیف کتاب‌های درسی و دانشگاهی اهتمام خاصی از خود نشان داده‌اند. مطالب این کتاب‌ها به مثابه خوراک فرهنگی برای تغذیه افکار نسل آینده می‌باشد؛ همان نسلی که یهود تأکید می‌کند افکارشان را بشوید و آن را پرورش دهید تا در خدمت اهداف و نقشه‌های اسرائیل درآیند.

یکی از مواد درسی در ایالات متحده آمریکا کتابی به نام «چگونه قوم یهود رشد کرد؟» است که خواندن آن الزامی می‌باشد. در فرانسه مسئله حقانیت قوم یهود و مهاجرت به اورشلیم و مصائبی که گریبان‌گیر یهودیان در جنگ جهانی دوم شد، به خصوص کشتار یهودیان توسط آلمان نازی و داستان ملت برگزیده خداوند: به طور رسمی تدریس می‌شود. هم‌چنین دانش‌آموزان فرانسوی در کتابی که از سوی وزارت آموزش و پرورش این کشور تهیه شده، می‌خوانند: «مردانی که نام محمد بر خود حمل می‌کنند دیوانگانی هستند که هر پانزده یا بیست نفر از آنها زیر یک سقف زندگی می‌کنند، این خانه را محمد دیگری که از همه آنها خبیث‌تر است برای ایشان اجاره کرده است.» (رفاعی، پیشین، ص ۶۸-۶۹).

در انگلستان نیز مسئله قومیت یهود و خدمت آنان به عالم بشریت مورد توجه قرار گرفته و تدریس می‌گردد. در مؤسسات فرهنگی و آموزشگاه‌های تدریس زبان انگلیسی و فرانسه در سراسر مستعمرات فرانسه و انگلیس، داستان‌هایی مبنی بر بزرگواری قوم یهود مطرح می‌گردد و استادانی با اندیشه‌های صهیونیستی به شرح و بسط آنها می‌پردازند. مؤسسات فرهنگی و تدریس زبان انگلیسی در بسیاری از کشورهای آفریقایی مانند: مغرب، الجزایر، تونس و بسیاری از کشورهای دیگر، محل تدریس و تعلیم اباحی‌گری یهودی است. آنان هم‌چنین در بیشتر خاک روسیه، حضور فعال داشته و حتی بر مطبوعات این کشور، نفوذ دارند. آنها در موضوعات تبلیغاتی و به خصوص در تبلیغات تجاری، شیطنت و خبائثت خود را به اثبات رسانده‌اند. آنان در کاغذهایی که جهت مصارف توالت‌ها و دستشویی‌ها و بسته‌بندی‌ها به کار می‌رود، در بسیاری از موارد آیاتی از قرآن کریم و اسامی جلاله را حک نموده و آنها را به قصد توهین به مقدسات اسلامی توزیع می‌کنند. نصب و چاپ «لا اله الا الله» بر جلو شورت‌های زنانه و مردانه از دیگر خبائثت‌های آنان به شمار می‌رود. نوشتن اسامی زشت و نام‌گذاری کلاه، کمر بند، کفش و ... به اسامی قبیح و رایج ساختن این کلمات در میان یهودیان از دیگر اعمال زشت و خبیث صهیونیست‌ها به شمار می‌رود که به قصد رواج اباحی‌گری و فرهنگ عریان‌نمایی و در نهایت، علیه اسلام انجام می‌گیرد.

در بسیاری از کشورها که مؤسسات دانشگاهی توسط فرانسویان اداره می‌شود، در هفته اول دانشگاه آزادی جنسی برقرار است و دانشجویان سال اول به مدت یک هفته در اختیار کامل دانشجویان سال‌های قبل و معلمین و استادان پیش‌کسوت خود می‌باشند. دشنام دادن به پیامبر اسلام ﷺ، نماز خواندن بدون هرگونه پوشش، توهین هر کس به هر کس و ... در این یک هفته اجباری است. البته فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها بعدها به مقامات عالی‌مقامتی خواهند رسید، زیرا عوامل صهیونیست و ایادی نفوذی آنها، هوادار کامل آنان می‌باشند. صهیونیست‌ها در کتاب‌های درسی تحت سلطه فرهنگ فرانسه و یا انگلیس نفوذ کرده و اعراب را به صورت فروشنده‌گان برده و صاحبان حرم‌سراها و اداره‌کنندگان استخرهای شنای حرم‌سراها و کنیزان معرفی می‌کنند. این موضوعات همراه با تصاویر در کتاب‌های درسی آمده است.

در مدارس حکومت اسرائیل، یهود، تورات و تلمود را به فرزندان خویش درس می‌دهند. این کار به صورت متمرکز انجام شده و ساعات زیادی در هفته به آن اختصاص می‌یابد. از مهم‌ترین موضوعاتی که به آنان آموخته می‌شود، موضوع نبرد یهود است که در «سفر یوشع» از تورات تحریف شده، آمده است. تدریس این موضوع از مهم‌ترین توصیه‌های وزارت آموزش و پرورش اسرائیل به شمار می‌رود، زیرا این سفر، تأثیرات نامطلوبی بر روحیات دانشجویان یهودی دارد. آموزش دین یهود به دانش‌آموزان یهودی با این هدف صورت می‌گیرد که از آنها انسان‌هایی بسازد که به درنده‌خویی و انتقام‌ماییل بوده و به این عقیده ببالند. این در حالی است که آنان در مدارس مسلمانان نیز تلاش می‌کنند دانش‌آموزان را از ریشه‌های اسلامی خویش جدا کنند و آنها را به راه و روش غربی یا شرقی پیوند دهند. از این رو آنان را به انسان‌هایی مقلد و دنباله‌روی تبدیل می‌کنند که تمام همت و تلاش خود را صرف توپ و موسیقی و امور بیهوده کنند.

یکی دیگر از مواردی که مورد استفاده صهیونیسم قرار گرفته بهره‌برداری از مستشرقین است. این مستشرقین تشکیلات خود را در کلاس‌های درسی و در تحقیق‌های به اصطلاح علمی و کاوش‌های تاریخی به دانشجویان خود تلقین می‌کنند و این دانشجویان به صورت روشنفکران و متفکران در جوامع خود مشغول بازدهی تعلیماتی می‌شوند که از استادان مسیحی و صهیونیست خود دریافت کرده‌اند. از اواسط قرن ۱۰، خاورشناسان یهودی بیشتر متوجه مناطق اسلامی شدند و کتاب‌هایی در مورد اسلام و اسلام‌شناسی و تفسیر و قرآن و... نگاشتند و مسمومات خود را وارد جوامع اسلامی نمودند. بخش اسلام‌شناسی دانشگاه‌های اروپایی مرکز خاورشناسان و محققان یهودی می‌باشد و در سراسر کشورهای آمریکایی، آفریقایی و اروپایی و حتی کشورهای عربی، ده‌ها عالم و دانشمند یهودی یافت می‌شود که تخصص آنان در علوم قرآنی و اسلامی می‌باشد.

البته از آن‌جا که قوم یهود در همه‌جا به صورت یک اقلیت مشغول به فعالیت می‌باشد، در کشورهای میزبان از کارهایی چون زراعت، کشاورزی و کار در کارخانه‌ها به دور هستند؛ یعنی آنها کارهای معمول در جامعه را انجام نمی‌دهند و به کارهای فکری و مالی و پولی و سیاسی روی می‌آورند. در واقع، هنگامی که مردم معمولی مشغول کشاورزی و کار در کارگاه‌ها هستند، آنها به دانشگاه‌ها و محافل علمی و تخصصی و خرید و فروش زمین و تجارت خارجی و... روی می‌آورند و به همین دلیل از عصر بعد از رنسانس به این طرف، تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانشمندان و مخترعان و صاحبان مکاتب سیاسی، فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زیست‌شناسی از میان قوم یهود برخاسته‌اند.

دانشمندان و محققانی هم‌چون: اسپینوزا بنیان‌گذار علم‌گرایی و مادیت، نیوتون، اریک فروم، مارکس پلان، کارل مارکس، زیگموند فروید، گورویچ، رودنسون، آیزاک روچر، هربرت ماکوزه، دورکیم، مارکس وبر، کاری پویر، ریمون آرون و سرانجام بانی بزرگ‌ترین و مسکوت‌ترین جنایت قرن، آلبرت انشتین، همه یهودی بوده‌اند و علم و دانش آنان در همه حال، در خدمت فراعنه روزگار از قبیل هیتلرها، روزولت‌ها،

استالین‌ها، موسولینی‌ها، چرچیل‌ها و بن‌گورین‌ها بوده است و اینان علم را در خدمت زور قرار داده‌اند. در سایه همین خصلت انزوا و اقلیت بودن، از میان پانزده میلیون یهودی، ۳۳ نفر برنده جایزه نوبل شده‌اند؛ یعنی در هر یک میلیون نفر سه نفر برنده این جایزه شده‌اند و حال آن‌که از میان یک میلیارد جمعیت مسیحیت عالم فقط دویست نفر برنده این جایزه شده‌اند؛ یعنی از هر پنج میلیون نفر یک نفر. (دعرتی، پشین، ص ۱۸۲).

بنابراین، این گونه است که یهودیان افکار عمومی جهانیان را شست‌وشو می‌دهند. آنان توانستند در زیباسازی چهره یهود در حیطه تفکر و بینش اروپائیان و آمریکایی‌ها، تا حد زیادی پیروز شوند و اکنون یهودی، دیگر، آن یهودی حیل‌گر و خبیث و مکار و ترسو شمرده نمی‌شود بلکه این واژه، به انسانی نمونه و دانشمند و مخترع و شجاع و غیور اطلاق می‌گردد.

ابزارهای سلطه‌گری صهیونیستی

در این‌جا از میان ابزارهای متعدد سلطه‌گری صهیونیستی، تنها به ابزارهای زیر اشاره می‌شود:

۱- ابزار اقتصادی

در تاریخ بشریت، هیچ امتی مانند یهود وجود ندارد که این قدر شیفته ثروت باشد. آنها برای به دست آوردن مال هر راهی را پیش می‌گیرند گرچه مخالف با شرف و حیثیت انسانی باشد. در حرص و آرز، خود را به مرحله پرستش ثروت می‌رسانند، تا جایی که مارکس این خصلت را در آنان می‌یابد و درباره آن چنین می‌گوید: «بنیان دین یهود چیست؟ نیاز عملی. خدای نیاز عملی و منفعت شخصی پول است. پول خدای هشدار اسرائیل است که در برابر آن هیچ خدایی حق حیات ندارد. پول از نگاه آنان، تمامی خدایان را تنزل می‌دهد و به کالا تبدیل می‌کند. پول ارزش خودساخته‌ای است از برای همه چیز. پول گوهر بیگانه شده کار و وجود انسان است و این گوهر بیگانه شده بر او مسلط می‌شود و مورد پرستش او قرار می‌گیرد. بدین‌سان خدای یهودیان زمینی سکولاریزه شده و این خدا، به خدای جهان بدل گردیده است. برات خدای واقعی یهودی است و خدای او شکلی وهم‌آلود از برات است.» (شهبازی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۸).

باید دانست که سبب این حرص و آرز در جمع‌آوری ثروت چیست. به گمان آنها یکی از ابعادی که در رسیدن به آرمان تشکیل حکومت جهانی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد توجه به بعد اقتصادی و سیطره پیدا کردن بر اقتصاد جهان است. چنان‌که در پروتکل‌های صهیونیست آمده است: آنها برای تحقق خواسته‌های خود در سلطه بر اقتصاد جهانی، روش‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند که اولین گام، تشکیل یک حکومت مستقل یهودی است، که این امر در سال ۱۳۲۷ش. / ۱۹۴۸م. به تحقق پیوست. رژیم صهیونیستی پس از تشکیل دولت اسرائیل، برای محکم نمودن جای پای خود در سرزمین فلسطین و در اختیار گرفتن اقتصاد آن سرزمین، اقدامات مختلفی انجام داد و با اعمال سیاست‌های اقتصادی تصرف سرزمین‌های کشاورزی و در اختیار گرفتن مراکز صنعتی و... بر اقتصاد فلسطین مسلط شد و از آن‌جایی

که خاک فلسطین به تنهایی نمی‌توانست جواب‌گوی نیازهای اقتصادی یهودیان باشد اقدام به دست اندازی به کشورهای همسایه نمود و سعی کرد سرزمین‌هایی را که بهره اقتصادی، سیاسی و... داشت را به تصرف خود درآورد.

همان‌طور که در پروتکل شماره ۱۶ آمده است: آنها در صدد آن هستند که برای سلطه بر جهان، ثروت‌های عظیم منابع طبیعی و... که جوامع غیر یهودی در اختیار دارند را به انحصار خود درآورند. از جمله راه‌هایی که اسرائیل در نفوذ بر اقتصاد کشورهای خاورمیانه از جمله مصر، اردن و... در پیش گرفته است، دادن وام به کشورهاست که در متن پروتکل‌ها نیز به آن اشاره شده است. در پروتکل شماره ۲۱ چنین آمده است: ما یهودیان پول‌های مازاد بر احتیاجمان را به کشورهای غیر یهودی وام می‌دهیم و با استفاده از رشوه‌خواری مدیران و اهمال‌کاری و ندانم‌کاری فرمانروایان این ممالک، دو تا سه برابر پول‌هایمان را پس می‌گیریم.

رژیم صهیونیستی با انعقاد قراردادهای اقتصادی با کشورهای منطقه خاورمیانه و اجرای سیاست‌های اقتصادی خود در منطقه و هم‌چنین اعطای وام‌های طولانی مدت با سودهای زیاد، کشورهای طرف قرارداد را مدیون خود ساخته و از این موقعیت، کمال استفاده را در جهت اجرای طرح‌های توسعه‌طلبانه خود می‌نماید و کشورهای وام‌دار به اسرائیل برای حفظ موقعیت اقتصادی و جلوگیری از ورشکستگی خود، چاره‌ای جز همراهی با سیاست‌های رژیم صهیونیستی ندارند.

در شرق اروپا هم زرسالاران یهودی نقش اصلی را در هدایت مؤسسات صرافی و بانکی به دست آوردند و به یکی از مهم‌ترین بانک‌داران خصوصی تبدیل شدند. به این ترتیب، رباخواری و رشوه‌خواری به شبکه‌ای بسیار گسترده و بفرنج تبدیل گردید که جریان‌های حیات اقتصادی دنیای غرب را به دست گرفت و تارهای آن در همه جا از آسیا تا آمریکای جنوبی تنیده گردید. به نوشته دایره‌المعارف یهود، شاهزاده اوگن ساوئی (۱۶۶۳-۱۷۳۶) فرمانده مقتدر ارتش اتریش در اوایل سده هجدهم به شدت بر دلالتان و پیمانکاران یهودی متکی بود. او که از برجسته‌ترین چهره‌های نظامی خاندان هابسبورگ به شمار می‌رفت طی جنگ‌های متعدد توانست اتریش را به یک قدرت درجه اول اروپایی بدل کند. او در جنگ‌های خود با عثمانی به حمایت مالی یهودیان درباری متکی بود. دایره‌المعارف یهود می‌افزاید: در این زمان یک‌سوم درآمد سالیانه دربار اتریش وام‌هایی بود که از یهودیان دریافت می‌نمود. (پشین، ص ۱۳۰).

ابزار اقتصادی جزء وظایف و مأموریت‌های بانک‌ها و اتاق‌های بازرگانی یهود است که در سراسر جهان پراکنده می‌باشد. این ابزار به نوبه خود و به دلایل سیاسی و با هدف تأثیرگذاری بر روند برنامه‌های اقتصادی کشورهای جهان، نفوذ خود بر اقتصاد جهانی به ویژه اقتصاد آمریکا را آغاز کرده است. رابطه ایالات متحده آمریکا با رژیم صهیونیستی نمونه زنده‌ای است که فشارهای اقتصادی صهیونیسم جهانی بر آمریکا را نشان می‌دهد. (صفتاج، سیمای صهیونیسم، پیشین، ص ۱۳۶). به یک نمونه از پروتکل‌های حکمای صهیونیسم در این باره توجه کنید: «جنگ میان ما ماهیتی قهرآمیز خواهد داشت که جهان مانند آن را

ندیده است. زمان برای نواغ آنها خیلی دیر شده است. تمامی چرخ‌های حکومت با قدرتی به نام طلا که اکنون در دست ماست به حرکت در می‌آیند و علم اقتصاد سیاسی که دانشمندان بزرگ ما آن را آزموده‌اند نشان می‌دهد که قدرت سرمایه بیش از تاج و تخت است. باید صنعت و تجارت را به طور مطلق احتکار کرد تا سرمایه از مجال آزادی برخوردار باشد و این چیزی است که اکنون دست‌های پنهانی در چهارگوشه جهان سعی در انجام و تکمیل آن دارند. این آزادی، تجارت را از قدرت سیاسی برخوردار خواهد نمود.» (پیشین، ص ۱۳۶).

حجم کمک‌های اقتصادی آمریکا، به توان‌مندسازی ابزار اقتصادی صهیونیسم برای سلطه‌گری بر اقتصاد جهانی را در پی داشته است. کمک‌های اقتصادی آمریکا از سال ۱۳۲۷ش. ۱۹۴۸م. هم‌چنان ادامه دارد. این کمک‌ها در هر سال مالی به صورت رایگان از طرف خزانه‌داری آمریکا به صورت نقدی در اختیار اسرائیل قرار می‌گیرد. (ماضی، ۱۳۸۱، ص ۵۱). از سوی دیگر، بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد حجم کمک‌های اعلان‌نشده آمریکا به رژیم صهیونیستی چند برابر ارقام اعلام شده است. آمریکا علاوه بر کمک‌های مالی به طرق مختلف، در راستای حمایت از آن رژیم، گام برداشته است، که از آن جمله می‌توان به کمک‌های غیرمستقیم، ایجاد بازار فروش کالاهای اسرائیلی در آمریکا، اعطای اعتبارات و تسهیلات مالی از سوی بانک‌های تجاری آمریکا و سرمایه‌گذاری مستقیم دولت و شرکت‌های خصوصی آمریکا در اسرائیل و ... اشاره نمود.

از دیگر عواملی که در رشد اقتصادی اسرائیل مؤثر بوده و این رشد به افزایش توان تأثیر ابزار اقتصادی صهیونیستی منجر شده است، دریافت غرامت یهودآزاری از دولت آلمان بوده است؛ به بیان دیگر، اسرائیل به محض این‌که به عنوان یک دولت تشکیل شد خود را نماینده همه یهودیان جهان اعلام کرد و با این ادعا توانست قراردادهای متعددی با دولت آلمان منعقد کند که بر اساس آن، این کشور می‌بایست مبالغی را به عنوان غرامت به زیان دیدگان یهودی از حکومت نازی به اسرائیل بپردازد. از جمله این قراردادها، قرارداد پرداخت ۸۸۲ میلیون دلار به صورت رایگان به اسرائیل است که می‌بایست این مبلغ به مصرف خرید خدمات از آلمان برسد. (پیشین، ص ۴۸).

۲- ابزار تبلیغاتی

ابزار تبلیغی در حوزه شبکه تبلیغاتی صهیونیسم از مهم‌ترین ابزارهاست و در دنیا و در بین یهودیان جهان گسترش پیدا کرده است. صهیونیسم جهانی تمام توان فکری و اقتصادی خود را به واسطه تبلیغات، به همراه فراماسونری در تفتیش عقاید و فریب افکار عمومی جهان به کار گرفته است. «صهیونیسم در طرح‌ریزی افکار ملت یهود در حوزه سیاست و فرهنگ و نیز به کارگیری امکانات اقتصادی مراکز مالی یهودیان برای اجرای سیاست‌های تبلیغاتی خود در دیگر کشورها با هدف حمایت از مسائل صهیونیسم

تلاش فراوان می‌کند. بدین لحاظ صهیونیست‌ها سعی دارند بر تمام دستگاه‌های تبلیغاتی جهان به منظور استفاده از آنها در چهارچوب منافع خود مسلط شوند. « (صفا، ج ۱، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

رسانه‌های تبلیغی صهیونیسم در هر حادثه و رویدادی سعی می‌کنند بر روی چهره زنان و کودکان یهودی متمرکز شوند و نشانه‌های ترس و وحشت آنان را به گونه‌ای نمایان سازند تا عواطف مردم جهان به ویژه ملت‌های اروپا و آمریکا را برانگیزند. صهیونیسم جهانی از روش‌های مختلفی برای نفوذ تبلیغاتی خود بر جهان استفاده می‌کند. بعضی از این روش‌ها عبارت است از:

۱- تعدادی از یهودیان به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های تخصصی فرستاده می‌شوند تا به تحصیل در امور تبلیغاتی پرداخته و در فنون مختلف تبلیغاتی تخصص پیدا کنند و پس از پایان تحصیلات، برای این گونه افراد، موقعیت‌هایی را در رادیو، تلویزیون، مجلات و روزنامه‌های مختلف ایجاد می‌کنند. این افراد فعالیت خود را با تهیه برنامه‌هایی که دارای ابعاد عقیدتی، فکری و سیاسی است، آغاز می‌کنند و از این طریق برای تهاجم به افکار عمومی و ارزش‌های انسانی و اخلاقی جوامع انسانی قدم برمی‌دارند.

۲- تعدادی دیگر از این متخصصان به عنوان کادر اداری و فنی و روزنامه‌نگار به دفتر نشریات راه پیدا می‌کنند و به این طریق، گرایش مجله یا روزنامه را در تأیید مسائل یهود تحت تأثیر قرار می‌دهند.

صهیونیسم از طریق دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا و تأثیرگذاری بر آنها می‌کوشد برنامه‌های خود را در کشورهای عربی عملی سازد. صهیونیسم از تبلیغات تجاری خود به زشت‌ترین و ناپسندترین وجه علیه اعراب مسلمان بهره‌برداری می‌کند. آنان که بر بیشتر شبکه‌های خبرگزاری دنیا نفوذ دارند به روش‌های گوناگونی در تبلیغات خود، اعراب و مسلمانان را انسان‌هایی بی‌تمدن، ابله، شهوت‌ران و آلوده جلوه می‌دهند.

«در ایالات متحده آمریکا هنگام تبلیغ نوعی صابون، مجری برنامه اعلام می‌کند که فلان صابون هر چیزی را پاک و تمیز می‌کند، حتی اعراب را! آن‌گاه شخصی که لباس عربی بر تن دارد با لباس و چهره‌ای آلوده بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود. در همان حال زن جوان نیمه‌لختی جلو می‌آید و او را به سمت وانی پر از آب برده و شروع به شستن او به وسیله صابون مورد نظر می‌کند. آن‌گاه در حالی که او را از وان خارج می‌کند، با خباتتی برخاسته از خلق و خوی یهودی مآبانه می‌گوید: آقایان، خانم‌ها! با عرض پوزش، ما در انتخاب صابونی که این عرب را بهتر از فلان صابون بشوید با بسیاری از شرکت‌ها رقابت نموده و سعی کرده‌ایم برترین صابون را برگزینیم... در همین لحظات، جوانی داخل می‌شود و برگه‌ای را به دست آن زن می‌دهد. زن جوان آن را گشوده و با شادی و مسرت می‌گوید: خانم‌ها، آقایان! اکنون از فلان آزمایشگاه خبر آورده‌اند که فلان صابون در اوج تأثیر و مرغوبیت است. در پاکیزه شدن این عرب عیب و ایراد دیگری وجود دارد و عیب و ایراد از صابون نیست، بلکه اعراب اساساً پاک شدنی نیستند...».

این تبلیغ زشت و خباتت‌آمیز این گونه پایان می‌پذیرد. (رفاعی، پیشین، ص ۷۱-۷۳).

۳- ابزار سیاسی

صهیونیسم جهانی علاوه بر نفوذ نهان و آشکار بر رسانه‌های گروهی جهان به ویژه مطبوعات، خبرگزاری‌ها، سینما و شبکه‌های تلویزیونی، ابزارهای سیاسی دیگری را نیز برای سلطه بر جهان در اختیار گرفته است که مهم ترین آنها عبارت است از :

۳/۱- سازمان ملل متحد (United Nation Organization) UNO: این سازمان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۳۲۴ ش. / ۱۹۴۵ م. به عنوان جانشین جامعه ملل ایجاد شد. در دایره‌المعارف یهود، چاپ اسرائیل، زیر عنوان سازمان ملل و یهود آمده است: «فکر یک تشکیلات بین‌المللی برای تأمین صلح و همکاری بین‌المللی ریشه در اعتقادات یهودی دارد.» (رحمانی، ۱۳۷۳، ص ۸۹). این جملات هنگامی که در کنار پروتکل شماره ۱۰ حکمای صهیون قرار گیرد به خوبی می‌توان دریافت که سازمان ملل متحد ابزاری است سیاسی تحت نفوذ صهیونیست‌ها برای تحمیق و استحمار ملت‌های جهان و باوراندن لزوم یک حکومت جهانی به آنها که به وسیله آن سلطه مرئی و نامرئی صهیونیسم بین‌الملل بر سراسر جهان تحکیم شود.

اولین نشست این سازمان در ژانویه ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد و در آن جلسه، مقرر گردید که مقرر این سازمان در شهر نیویورک باشد. از همان ابتدای تشکیل این سازمان، صهیونیست‌ها به اشغال پست‌های حساس و کلیدی آن پرداختند. بهترین گواه برای تبیین نفوذ صهیونیست‌ها در سازمان ملل متحد، سخنان کوفی عنان دبیرکل این سازمان در اولین سمینار مقابله با «یهودی ستیزی» است. وی در شرایطی که جنایت‌ها و اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه مردم مسلمان سرزمین‌های اشغالی فلسطین، عراق و افغانستان بیداد می‌کرد اظهار نمود: «یهودیان باید احساس کنند که سازمان ملل خانه آنهاست.» وی همچنین بیان کرد که سازمان ملل باید در جنگ علیه یهودی ستیزی شرکت کند و از کشورهای عضو خواست قطع‌نامه‌ای را علیه یهودی ستیزی در نشست ماه سپتامبر مجمع تصویب کنند. عنان همچنین گفت: «جنگ علیه یهودی ستیزی باید جنگ ما باشد.» (صیبرنیم چه می‌خواهد؟ پروتکل‌های جلسات زعمای صیبرنیم، ۱۳۶۰، ص ۵۳). هم‌اکنون بیش از ۴۰٪ از کارگزاران سازمان ملل متحد یهودی می‌باشند. این سازمان بین‌المللی از روزهای نخست کار خود تاکنون، بارها ابزار دست صهیونیسم قرار گرفته است. بیشتر تصمیماتی که در آن تمارضی با خواسته صهیونیسم وجود داشته باشد، در نطفه خفه می‌شود و کمتر کسی است که از آن حمایت نکند. (صفتاج، پیشین، ص ۱۹۹).

۳/۲- سازمان فراماسونری: فراماسونری نام تشکیلات و سازمانی مخفی است که بزرگ‌ترین تشکیلات سری جهان به شمار می‌رود و قدمت و قدرت آن در جهان در مقایسه با دیگر سازمان‌ها و تشکل‌ها بسیار چشم‌گیر است. دربارهٔ واژه «فراماسون» دایره‌المعارف انگلیسی، فرهنگ وارنر آکسفورد، فرهنگ ویستر آمریکا و لغت‌نامهٔ دهخدا چنین نوشته‌اند: «فراماسون، در زبان فرانسه از دو واژه مرکب، فرانک‌ایا «فری» ایه معنی آزاد و ماسون به معنای بنا ترکیب یافته است. در زبان انگلیسی فری میسن به همین

مفهوم نقل شده و در کشور ایران، تشکیلات اولیه آن به فراموش خانه و سپس به فراماسونری، اشتها یافته است. « (پشین، ص ۲۱۱).

در قرون ۱۶ و ۱۷ کار این تشکیلات رونق بسیار داشت و عضویت در آن منحصر به بناها بود، اما در قرن ۱۸ گروهی از کسانی که هیچ گونه وابستگی با صنف بنا نداشتند توسط یک سازمان پنهانی که بعدها به نام سازمان صهیونیسیم جهانی معروف شد وارد این تشکیلات شدند و طولی نکشید که این سازمان تغییر ماهیت داد و جمعیت صنفی بناهای قرون سابق به سازمان فراماسونری امروز تبدیل گردید. «اعضای این سازمان بیشتر اعیان و اشراف و بازرگانان و ثروتمندان بودند، که هر یک به منظور خاصی عضو این دستگاه می شدند تا با کمک سایر اعضا، تحت عنوان معاضدت و مساعدت به مقصودی که داشتند ناقل شوند. پنهانی بودن سازمان برای عده‌ای جالب بود، و عنوان تحکیم اصول اخلاقی و خیرخواهی و معاضدت با یکدیگر دلفریب می نمود.» (پشین، ص ۲۱۲). این وضعیت خود مشوقی بوده تا فرصت طلبان به ویژه صهیونیسیم جهانی از این فرصت استفاده کرده و در صدد عضویت و نفوذ در آن برآیند و آن تشکیلات را به صورت سازمان فراماسونری جدید که تحت نفوذ صهیونیسیم جهانی است درآوردند. در حال حاضر ماهیت و شیوه عمل فراماسونری به گونه‌ای است که آن را از سایر جمعیت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسه‌های بشری متمایز می کند.

مطالبی که درباره ماهیت و تشکیلات امروزی فراماسونری بیان می شود، از نفوذ این جریان سیاسی جدید در تاروپود دستگاه هیئت حاکمه بسیاری از کشورهای جهان حکایت دارد. اظهارات زیر از جمله آنها است:

«سازمان جهانی فراماسونری یکی از بزرگ‌ترین تأسیسات سری و سیاسی در جهان است که قدمت و قدرت آن در مقایسه با سازمان‌های مشابه، فزونی چشم‌گیر را داراست. از شگفتی سازمان مزبور این که از تأسیس آن تاکنون در شرایط گوناگون سیاسی، اجتماعی و تاریخی، در جوامع بشری نفوذ کرده و توانسته با تشکیل جلسات محرمانه، در نهادها و تأسیسات مختلف رخنه و حتی در تشکیلات نظامی کشورها نفوذ نماید.» (تمی پور، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰). «سازمان جهانی فراماسونری سعی دارد که تشکیلات خود را در انظار مردم مخفی دارد و با برخورداری از چنین روشی است که فراماسونری در جوامع مختلف، احزاب و باشگاه‌هایی را به صورت علنی در شکل‌های مختلف سازمان داده و گروهی را به عضویت پذیرفته است. سازمان فراماسونری جهانی سعی دارد افراد ماسونی خود را در اقصی نقاط عالم مخفیانه یاری کند و در پست‌های حساس کشورها بگمارد تا در مواقع مقتضی از وجود آنان در راه تحقق بخشیدن هدف‌های سازمان سود جوید.» (یوسفیه، ۱۳۵۲، ص ۱۸-۱۷).

هدف اصلی سازمان فراماسونری مبارزه با ادیان و مذاهب الهی و رواج بی‌دینی و بی‌بندوباری و در نهایت، تلاش برای سلطه بر جهان است. بر همین اساس، اعضای آن در نفی و تحریف دین و هم‌چنین بی‌اعتبار جلوه دادن دین‌داران در میان مردم و جوامع مختلف به ایفای نقش می‌پردازند و مبارزه بی‌امانی

را با دین و دین‌داری شروع کرده‌اند. در اهداف اعلام شده فراماسونری آمده است: «حزب فراماسونری نباید به یک دولت یا دو دولت اکتفا کند بلکه تمام دولت‌های جهان را باید تحت خرقه کشد و برای رسیدن به این هدف، نخست لازم است دین و علمای دین را که یگانه دشمن فراماسونری هستند نابود کنند.» (رحمانی، ۱۳۶۱، ص ۷۲).

یکی از شیوه‌های کاری فراماسونری جذب و جلب جوانان و خردسالان به آرا و اندیشه‌های خود است. در تعالیم ماسونی‌ها آمده است: «بزرگان و سالخورده‌ها را کنار بگذارید و نسل جوان را دریابید، سعی کنید جوانان و خردسالان را به مجالس خود جلب کنید تا تعالیم حزب را در کودکی بیاموزند. انطباعات دوران کودکی هرگز فراموش نمی‌شود و ما باید افکار خود را در آن دوران به افراد تزریق نماییم و آنها را دور از دین تربیت کنیم. برای آن که بتوانیم تشکیلات خانواده را به هم بزیم لازم است به اصول اخلاقی لگد بزیم و یک نسل کاملاً بی‌دین، بی‌ناموس و بی‌اخلاق تربیت کنیم. البته این کار در نظر اول مشکل به نظر می‌رسد ولی چون میل به شهوت و لاپهالی‌گری، فطری و طبیعی بشر است. از این جهت شاید چندان هم مشکل نباشد.» (صفا تاج، پیشین، ص ۲۱۷).

بار دیگر تأکید می‌کنیم که دلایل و براهینی وجود دارد که به خوبی بیان‌گر اداره محفل فراماسونری توسط صهیونیسم جهانی و نیز رابطه تنگاتنگ صهیونیست‌ها با اعضای فراماسونری در جهان است، از جمله:

۱- پروتکل پانزدهم کتاب پروتکل‌های دانشوران صهیون به خوبی این حقیقت را روشن کرده و می‌گوید:

«... برای نیل به مقصود، تشکیلات فراماسونری خود را توسعه داده و در همه‌جا عمال مبتکری را به کار می‌گماریم و دفتر کار این عمال، مهم‌ترین و مؤثرترین دستگاه نفوذ ما خواهد بود و تمام این دفاتر کار زیر نظر اداره‌ای که از دانشمندان و زعمای ما تشکیل شده اداره خواهد شد. هر دفتر در این اداره نماینده‌ای خواهد داشت و برنامه هر دفتر به وسیله او در اداره مرکزی تنظیم می‌شود. بدیهی است که هیچ کس جز ما در تعقیب کارهای فراماسونری نیست و ما هستیم که هدف نهایی خود را می‌دانیم. کسی که می‌خواهد مقامش همیشه محفوظ باشد باید کورکورانه از ما اطاعت کند.»

۲- نشانه‌ها و وابستگی فراماسونری به صهیونیسم گویا و غیر قابل انکار بوده و بسیاری از سمبل‌های فراماسونری معانی و مفاهیم یهودی دارد؛ برای مثال، محفل فراماسونری به منزله خیمه موسی در صحراست و نور در نزد فراماسونری یعنی نوری که از بالای کوه برای موسی متجلی شد. نقش واژه یهوه، خدای اختصاصی اسرائیل، به زبان و خطی عبری روی بسیاری از دیپلم‌های فراماسونری حک شده است. فراماسون‌ها خود را به دین مقید نمی‌دانند و منکر آن می‌باشند ولی خود را پیرو دین یهود نشان داده و می‌گویند: «بهتر است که ما دین واحدی را قبول کنیم و آن دین یهودی است که سر سلسله ادیان است.» (پیشین، ص ۲۲۰).

این مطالب، ما را به وجود رابطه فراماسونری با صهیونیسم جهانی راهنمایی می‌کند. هم‌چنین با اثبات این رابطه، شکی باقی نمی‌ماند که جنبش فراماسونری یک جنبش صهیونیستی بوده و به صورت ابزار مهمی در دست حاکمان صهیونیست در آمده است که از طریق آن تلاش می‌کنند اهداف خود را از قبیل ایجاد کشور مورد نظر در فلسطین، بازسازی معبد سلیمان، نفوذ در دولت‌ها و مؤسسه‌ها، و گسترش فساد در زمین، برآورده سازند.

نتیجه‌گیری

بنا بر آن‌چه گفته شد، نمی‌توان تأثیر صهیونیسم را در بخش قابل توجهی از جهان نادیده گرفت، ولی مخالفت شخصیت‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی، و علمی جهان، با اندیشه توسعه‌طلبی صهیونیست، از مهم‌ترین عوامل کند شدن روند سلطه‌گری و نفوذ صهیونیست‌ها بر جهان و نیز، از عوامل کند شدن تأثیر ابزارهای صهیونیست‌ها در طی چند دهه اخیر بوده است. از مؤثرترین این شخصیت‌ها باید از امام خمینی علیه السلام نام برد:

مقارن با آغاز مبارزات سیاسی امام خمینی علیه السلام با رژیم پهلوی، وی عدم همراهی رژیم پهلوی با کشورهای اسلامی درباره تحریم نفتی اسرائیل و قطع روابط دیپلماتیک با آن کشور را محکوم کرده و در مصاحبه‌ای فرمود: «یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است، کمک او به اسرائیل است.» باید اذعان نمود که امام در بعد داخلی، مبارزه با استبداد پهلوی را سرلوحه خویش قرار داده بود و در بعد خارجی، آرمان فلسطین اولویت اول سیاست خارجی امام را شکل می‌داد، زیرا بر این باور بود که: طرفداری از طرح استقلال و شناسایی اسرائیل برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انفجار است؛ از این رو، مخالفت با آن‌را یک فریضه بزرگ اسلامی می‌شمرد. وی مبارزه با اسرائیل را وظیفه‌ای شرعی و اساس این وظیفه را قاعده نفی سبیل می‌دانست و از این رو صرف مقداری از زکات و سهم امام را برای مبارزه با اسرائیل جایز می‌شمرد. امام برای مبارزه با اسرائیل از همه ظرفیت‌های موجود بهره می‌برد و نه تنها در این مورد به ملت‌ها آگاهی می‌داد بلکه با دولت‌ها هم سخن می‌گفت. گاه از زبان نصیحت استفاده می‌کرد و به دولت‌های اسلامی می‌گفت: «من به سران فلسطینی نصیحت می‌کنم با اتکا به خداوند متعال، مردم فلسطین و اسلحه خویش، تا حد مرگ با اسرائیل بستیزند. شما اطمینان داشته باشید که نه شرق به درد شما می‌خورد و نه غرب.» آن‌جا که از شدت گرفتن روابط برخی دولت‌های اسلامی با اسرائیل نگران می‌شد از زبان تهدید استفاده می‌کرد.

در واقع می‌توان دیدگاه امام را درباره صهیونیسم و اسرائیل به اختصار این‌گونه بیان کرد: اسرائیل مثل غده سرطانی می‌ماند که اگر آن‌را ریشه کن نکنیم باعث مرگ آرام و خاموش جهان اسلام می‌گردد. اندیشه صهیونیسم نژادپرستانه و ضد اسلام و انسان است. اسرائیل نوک پیکان مبارزه غرب با اسلام است. این جنگ، نبرد بین اعراب و اسرائیل نیست بلکه نبرد بین اسلام و صهیونیسم و غرب است. اسرائیل با

توسل به ابرقدرت‌ها روی پای خود ایستاده اما باید با اتکا به خداوند و نیروی خود آن‌را شکست داد. در حقیقت، تنها راه شکست آن بازگشت به خویشتن و هویت اصیل اسلامی است و در این صورت اسرائیل از صفحه روزگار محو می‌شود.

امام پس از بیست سال مبارزه با اسرائیل و به منظور تشدید و تدوام آن، آخرین جمعه ماه رمضان را روز قدس نامید و به این وسیله در ادامه ضربه زدن به ایده‌ها و ابزارهای سلطه‌گری صهیونیستی، روند مبارزه با آرمان‌های صهیونیستی را به اوج رساند. (صحیفه نور، جلد‌های ۸، ۱۲ و ۱۵ و سایت‌های مختلف از جمله: سایت حزب الله، moghavemat.ir، google.com، yahoo.com، rasad.ir)

پس از امام خمینی علیه السلام و بی شک به دلیل تأثیرپذیری از وی، مخالفت‌ها در جهان علیه صهیونیسم ادامه یافت. یکی از این مخالفت‌ها که مانعی بر سر راه پروژه توسعه‌طلبی صهیونیسم می‌باشد، مخالفت و تشکیک نسبت به شعار معروف هولوکاست است. مخالفت با هولوکاست از ایران آغاز شد ولی به ایران محدود نشد بلکه تعداد قابل توجهی از اندیشمندان خارجی نیز در باره جملی بودن و بزرگ‌نمایی آن سخن گفته‌اند، از جمله:

پروفیسور ارنو مایر از دانشگاه برنستون در کتاب خود با نام «چرا آلمان تیره و تار نشد؟» به وجود پرسش‌های گوناگونی پیرامون هولوکاست اشاره می‌کند. مایر که خود یک یهودی است، می‌گوید: «پرسش‌هایم هم‌چنان پابرجاست. تعداد یهودیانی که از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ در آشویتس و دیگر اردوگاه‌ها با مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند، از یهودیانی که با مرگ غیرطبیعی و از راه‌های مختلف کشته شده‌اند بیشتر است. هم اکنون منابع بررسی اتاق‌های گاز، کم و غیرمطمئن است. بیشتر آن‌چه به عنوان حقایق تاکنون پذیرفته شده، براساس اعترافات مسئولان نازی، مجریان محاکمه‌های پس از جنگ و خاطرات کسانی است که از این اردوگاه‌ها نجات یافته یا آزاد شده‌اند. بنابراین، شهادت‌ها باید با دقت بررسی شود، زیرا ممکن است انگیزه‌های شخصی متفاوت و پیچیده‌ای در این‌گونه ادعاها تأثیر داشته باشد.» (روزنامه کیهان ۲۲ آذر ۱۳۸۴).

پل فرام که خود یکی از منتقدین هولوکاست می‌باشد و بهای این انتقاد را نیز پرداخته است، در مصاحبه با یک خبرنگاری گفته است: «زیر سؤال بردن هولوکاست، مزایا و موضع قدرت‌مند صهیونیست‌ها را که در بسیاری از کشورهای غربی از آن برخوردارند، قطع خواهد کرد. بنابراین هر کسی در این باره بحث کند و یا ابعادی از داستان هولوکاست را زیر سؤال ببرد، باید ساکت شود. یهودیان برخوردارهای خشنی یا تجدیدنظرطلبان دارند، آنان باعث شدند تا من از مؤسسه و هیأت آموزشی پیل که در آن کار می‌کردم، اخراج شوم و دلیل آن هم این بود که از حق آزادی بیان افرادی از جمله دوکالینز، قهرمان جنگ و روزنامه‌نگار انگلیسی، که برخی از ابعاد داستان هولوکاست را در فیلم تبلیغاتی فهرست شیندلر متعلق به استیون اسپیلبرگ زیر سؤال برده بود، دفاع کرده بودم.» (سایت خبرگزاری مهر).

پروفسور اینگرید ویگرت با بررسی سیاست‌های رسمی دولت هیتلر از روی اسناد به‌جامانده از این دولت نشان می‌دهد که اولاً بر خلاف تبلیغات فعلی یهودیان، دولت آلمان با مهاجرت یهودیان به خارج از این کشور مخالفتی نداشته و ثانیاً یهودیان ثروت‌مند خود برای فراهم ساختن زمینه مهاجرت یهودیان با دولت هیتلر همکاری داشته‌اند. پس ادعای صهیونیست‌ها در این که نازی‌ها از مهاجرت یهودیان ممانعت کرده و فقط به کشتار آنها راضی می‌شده‌اند، دروغ است. (پیشین).

پروفسور دان هدیشیمر با اسناد معتبر و شواهد غیرقابل انکار نشان داده است که صهیونیست‌ها و یهودیان پس از جنگ جهانی اول نیز در یک تلاش نافرجام تبلیغاتی مدعی شدند که شش میلیون یهودی در جنگ جهانی اول کشته شده‌اند! اما این ادعای پوچ موفق نگردید و صهیونیست‌ها این ادعا را برای جنگ جهانی دوم با شدت وحدت بیشتری مطرح ساختند، تا در پرتو آن به مظلوم‌نمایی دست بزنند. (سایت روزنامه انتخاب).

پروفسور فرد لوختر با ارایه یک گزارش جنجال‌برانگیز و کاملاً تخصصی نشان داده است که ابزارهای فنی زمان جنگ جهانی دوم و ساختمان‌ها و ساختارهای موجود در اردوگاه‌های آلمان هیتلری فاقد توانایی کشتار شش میلیون نفر بوده و اصولاً کشتار شش میلیون یهودی با امکانات و ساختمان‌ها و ساختوسازهای آن زمان غیرممکن بوده است. (سایت بازتاب).

پروفسور گرمر رادولف در کتاب‌های متعدد خود نشان داده که هیچ اتاق گاز و یا ابزار کشتار جمعی دیگری در اردوگاه‌های آشویتس و غیره وجود نداشته است و اساساً با امکانات زمان جنگ جهانی دوم استفاده از گاز زیگلون B برای کشتار انسان‌ها غیرممکن بوده است. (سایت شریف نیوز).

دکتر جیمز مارتین در کتاب مشهور خود به رویکرد بازنگری تاریخی و برملا ساختن دروغ‌های یهودیان در مورد جنگ جهانی دوم پرداخته و خلاصه‌ای از آرای منتقدان در رد دروغ‌های ساخته شده در مورد این جنگ را مطرح کرده است. (سایت باشگاه اندیشه جوان).

نتیجه این که:

اولاً، به‌رغم تلاش‌های صهیونیست‌ها، مخالفت‌های جدی با اندیشه‌های آنان در جهان وجود داد و این مسئله افسانه نفوذ کامل صهیونیسم بر رسانه‌های جهانی را رد می‌کند؛ ثانیاً، عصبانیت صهیونیسم از وجود این مخالفت‌ها نشان از تأثیر آن بر فعالیت‌های سلطه‌گرایانه صهیونیسم دارد.

منابع و مأخذ:

۱. ابوغنیمه، زیاد، *یهود در فرهنگ، تبلیغات و رسانه‌های غربی*، ترجمه عبدالفتاح احمدی، ضیاء اندیشه، تهران، ۱۳۸۰.
۲. احمدی، محمد، *پژوهه صهیونیست (مجموعه مقالات)*، ضیاء اندیشه، تهران، ج ۱، ۱۳۷۶.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۲ و ۱۵.
۴. تقی پور، محمدتقی، *توطئه جهانی، پژوهشی پیرامون صهیونیسم جهانی*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۵. دعوتی، میر ابوالفتح، *نفوذ صهیونیسم در مطبوعات*، ایام، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۶. رحمانی، شمس الدین، *جهان زیر سلطه صهیونیسم*، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.
۷. _____، *ماهیت سازمان ملل*، محراب قلم، تهران، ۱۳۷۳.
۸. رفاعی، فوادبن عبدالرحمان، *نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌های خبری*، ترجمه حسین سرو قامت، انتشارات کیهان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۹. *روزنامه کیهان*، ۲۲ آذر ۱۳۸۴.
۱۰. *سایت بازتاب*.
۱۱. *سایت باشگاه اندیشه جوان*.
۱۲. *سایت خبرگزاری مهر*.
۱۳. *سایت روزنامه انتخاب*.
۱۴. *سایت شریف نیوز*.
۱۵. شهبازی، عبدالله، *زرسالاران یهودی و پارسی*، استعمار بریتانیا و ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۶. _____.
۱۷. صفاتاج، مجید، *سلطه پنهانی*، آرون، تهران، ۱۳۸۳.
۱۸. _____، *سیمای صهیونیسم*.
۱۹. _____، *دسیسه‌های شیطنانی*، تجسم خلاق، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۰. *صهیونیسم چه می‌خواهد؟* پروتکل‌های جلسات زعمای صهیونیسم، ترجمه بهرام محسن پور، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۰.
۲۱. ماضی، محمد، *سیاست و دیانت در اسرائیل*، ترجمه غلامرضا تهامی، سنا، تهران، ۱۳۸۱.
۲۲. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، صدرا، تهران، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۲.
۲۳. یوسفیه، ولی الله، *سازمان جهانی فراماسونری*، زهره، تهران، ۱۳۵۲.

24. rasad. ir.moghavemat. ir. google. com . yahoo. Com

